

درآمدی بر شناخت و بررسی زبان کردی لکی در اقلیم لک ها، بستر تمدنی ژرف و کهن

محمد کاکاوند*^۱

www.mkakavand@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه

چکیده

زبان لکی یکی از ماندگارترین و کهن ترین و غنی ترین گویش های مجموعه زبان های کردی در ایران است که افراد زیادی بدان تکلم می کنند. کردهای لک عمدتاً در غرب کشور، در استان های لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان و بطور کلی در اقلیمی که به طور غیر رسمی و در بین عامه مردم لکستان نامیده می شود زندگی می کنند. گروه های زیادی هم از مردمان کرد لک بر اثر سیاست حاکمان و پادشاهان گذشته به نقاط مختلف کشور و حتی خارج از کشور، به اجبار کوچانده شده اند. این زبان بدلائل عمده و متفاوت از سوی محافل فرهنگ و ادب و یا سایر گویشوران کرد ناشناخته و یا مورد بی توجهی فراوان بخصوص در سال های اخیر قرار گرفته که بیشتر بنظر می رسد به دلایل محرومیت های فراوان مناطق لک نشین باشد، لذا این عدم شناخت به گونه ای است که بسیاری از گویشوران عامه کورد به اشتباه تصور می کنند که لک ها، لر یا لرزبان هستند! که کاملاً اشتباه است و لک و لر چه به لحاظ ساختار زبانی و چه به لحاظ ریشه و فرهنگ کاملاً از هم مجزا هستند. حال اگر سایر گویشوران کرد به غنای زبانی و دیرینگی و فرهنگ و تمدن کهن لک زبان ها آگاهی یابند با دیده ای دیگر به این جنوبی ترین گویش کردی می نگرند.

واژگان کلیدی: کوردی لکی، زبان لکی، گویش های جنوبی کردی، تمدن کهن

زبان های کردی یکی از مجموعه زبان های هندواروپایی در شاخه زبان های ایرانی غربی است . همچنین کردی به زنجیره گویشی ای گفته می شود که کردها هم اینک با آن سخن می گویند . زبان های کردی از زبانهای ایرانی شاخه غربی هستند (به گفته برخی اندیشمندان بازمانده زبان پهلوی پارسی است) که با زبان فارسی و بلوچی خویشاوندی دارند. تعریف یک زبان به عنوان «کردی» همواره دستخوش عوامل غیر زبان شناختی به ویژه عوامل سیاسی، و فرهنگی است، در واقع «زبان کُردی» به مانند زبان فارسی به معنای یک زبان با یک شکل استاندارد و مرز و تعریف مشخص نیست. بلکه امروزه به طیفی از زبان های ایرانی شمال غربی اطلاق می شود که گاه به هم نزدیک و گاه نسبت به هم از نظر زبان شناسی دورند. این زبان های ایرانی مطابق تصویر زیر که در پی تصمیمات اجتماعی/سیاسی در دوران معاصر نام «کردی» به خود گرفته اند از شمال تا مرکز و جنوب به ترتیب عبارتند از: «شمالی: کرمانجی، میانی: سورانی (لهجه ها: مکر، بابانی، سورانی، گروسی، اردلانی و جافی)، جنوبی: لکی، کلهری، گورانی و اورامانی.» زبان زازا را نیز گروهی جزو زبان های کردی به شمار آورده اند.



تصویر شماره (۱): موقعیت مکانی و جغرافیایی مجموعه زبان های ایرانی کردی در مجموعه ایران بزرگ (www.kurdishacademy.org: 1394).

زبان کردی شباهت زیادی به زبانهای بلوچی، گیلکی، و تالشی دارد، این زبان ها نیز متعلق به زیرگروه شمال غربی زبانهای ایرانی هستند. از دیگر زبانهای مشابه به زبان کردی که زیرگروه جنوب غربی زبانهای ایرانی به شمار می آیند، لری و بختیاری و فارسی هستند. که هرکدام در مناطق وسیعی تکلم می شوند. گویش های مختلف عمدتاً در بخشهایی از ایران، عراق، سوریه و ترکیه مورد استفاده قرار می گیرد. جمعیت های پراکنده کرد همچنین در جمهوری آذربایجان، ارمنستان، لبنان و اسرائیل نیز زندگی می کنند.

گویش لکی شامل لهجه هایی چون: عثمانوند، جلالوند، چغلوندی، کاکاوندی و ... جغرافیای آن در برخی شهرستان های کردستان ایران، هرسین و کنگاور و صحنه در استان کرمانشاه و مناطق و روستاهای اطراف آن و نورآباد دلفان، الشتر، کوهدشت و در استان لرستان، برخی مناطق استان ایلام را شامل می شود. باید اشاره داشت در برخی مناطق چون کوهدشت جمعیت های کرد لک و قوم لر با هم در این جغرافیا اما با فاصله شمالی و جنوبی زندگی می کنند.

۱- روش تحقیق

زبان شناس تاریخی می‌کوشد تا با مقایسه‌ی زبان‌های ثبت و بررسی شده، عناصر مشترک در همه‌ی آنها را مشخص کند و با به کار گرفتن دانش خود در باره‌ی اصول عمومی تغییرات زبانی، تا حد ممکن به توصیف ساخت زبان مشترک بپردازد. نخستین گام در پژوهش‌های زبان‌شناسی، گردآوری عملی مواد اولیه‌ای است که موضوع تحلیل‌ها و تعبیر و تفسیرهای بعدی قرار گیرد. زبان‌شناس چهار منبع مشخص برای گردآوری مواد اولیه در اختیار دارد: گفتار خود زبان‌شناس، گفتار افراد دیگر که به زبان او سخن می‌گویند، گفتار افرادی که به زبان‌های بیگانه سخن می‌گویند و بالاخره اسناد مکتوب. داده‌های این پژوهش با مطالعه‌ی منابع تاریخ‌زبان‌شناسی، بویژه کتابهای تاریخ زبان فارسی خانلری (۱۳۷۴)، فرهنگ لکی حمید ایزدپناه (۱۳۸۲)، رستم رحیمی (۱۳۷۹) و پروفیسور ولادیمیر مینورسکی (۱۹۷۳) و نیز مقایسه‌ی آن با شم‌زبانی نگارنده که خود لک زبان است، گردآوری شده‌اند.

۲- زبان کردی سره، یا همان زبان لکی کنونی؟

حدود سالهای (۱۹۱۰ م) پوست پاره کهنه‌ای در کاوشهای روستای «هزارمیرد» استان سلیمانیه {که همان استان شاد پیروز ایران در گذشته بوده} به دست آمد، که در آن چهار بند سرود به زبان کردی سره {کردی سره همان زبان کردی مادر یا خالص ترین زبان کردی است} و با خط پهلوی نوشته شده است. این چهار بند شعر که به نام هرمزگان نامیده شده، یادآور حمله اعراب به سرزمین کردستان {ایران بزرگ} و کشت و کشتار آنان است. برابر داوری دانشمندان، این نوشته از همان آغاز هجوم اعراب است. این شعر کردی که مایه اندوه هر {ایرانی} کردی می‌شود، دورنمای آن روزگار را به خوبی نشان می‌دهد. که نگارنده این نوشتار براساس علم خویش به زبان لکی و کل مجموعه کردی برگردان لکی و فارسی را به آن می‌افزاید:

- | | |
|--|--|
| (۱) هور(خورشید) مزگان رمان، ناگران کوژان | ویژان(ویشان) شاردده وه گه وره گه وره کان |
| (۲) زوورکاری ئاره ب کردنه خاپوور | گنائی پاله هه تا شاره زوور |
| (۳) ژه ن(شه ن) و که نیکا وه دیل بشینا | مه رد ئازا تلیاوه رووی هویناوا |
| (۴) ره وشتی زه رده شت مانووه بی که س | به زیکا و نیکا هورمه زد و هویچ که س |

حال به برگردان همین شعر بالا به زبان لکی توجه شود:

- | | |
|---|--|
| (۱) هوه ر(خورشید) مزگانون رمان، ناگران کوژان (کیان) | وژان شاردونا گران گرانه ل |
| (۲) زوورکاری ئاره ب کردنه خاپوور | ئاوادی پاله هه تا شاره زوور |
| (۳) ژه ن و دته یل وه دیلون شه نا | مه رد ئازا تلیاوه رووی (خوینا) خویناوا |
| (۴) ره وشتی زه ردو شت مانیه بی که س | رحمی نکردیا هورمه زد و هویچ که س |

اکنون به برگردان همین شعر بالا به زبان فارسی معیار نیز توجه شود:

- | | |
|--|-----------------------------------|
| (۱) هورمزگان(آتشکده‌ها) ویران، آتش‌ها خاموش شدند | خودشان را پنهان کردند بزرگ بزرگان |
|--|-----------------------------------|

روستای «پاله» تا «شهرزور»

۲) ظلم و زور عرب نابود کردند

مرد سالم و قوی (دلیر) له و غلتیده در خون شد

۳) زن و دختران را پراکنده کردند (بردگی) و بردند

رحمی نکرد اهورامزدا به هیچ کس

۴) راه و روش زرتشت مانده بی کس

✓ همانطور که مشاهده می نمایید از سند بالا می توان چنین استنباط کرد که زبان لکی امروز با اختلاف اندک همان زبان کردی سره است که در دوران ساسانی پرکاربرد بوده و همچنین در زمان هجوم اعراب به ایران این چنین زخم نامه ای به نظم شعر کردی (لکی) بر پوستینی کهن نقش بسته است (کرمی، ۱۳۹۴). البته از دیدگاه برخی این شعر منظوم به زبان کردی گورانی و یا هورامی هم بسیار نزدیک است، که می تواند چنین باشد آن هم بدلیل نزدیکی گویش های کردی لکی و گورانی و هورامی است به هر روی به شوند مطالب بالا می توان به قدمت گویش کردی لکی نیز پی برد.

۳- معرفی زبان و اقلیم کردهای لک زبان، به صورت اجمالی

ابتدا باید گفت افرادی از عامه ی مردم لر و یا حتی برخی از گویشوران کرد بنا به قرابت جغرافیایی لرها با کردهای لک و سخنی که از برخی از لکها شنیده اند کردهای اصیل لک را لر میدانند. اما خواص قوم لر دلیل دیگری برای لر نامیدن کردهای لک دارند. لر بودن لک به منزله ی لر بودن کریم خان زند، باباطاهر، ملاپیشان، فرهنگ و هنر کاسیان و مصادره تمدن و فرهنگ غنی و کهن کردهای لک و بخصوص زبان آنهاست، که این یک نظریه کاملا مردود و غیر منطقی می نمایاند، از هر جهت نمی توان کردهای لک را لر دانست و اگر شبهات و اشتباهات تاریخی در این بین بوده که صرفا مربوط به قرن های اخیر است و آن هم به این دلیل بوده که بطور کلی برخی سیاحان، مردمان زاگروس را کرد نشین و یا لرنشین و کوچنده نشین دانسته اند که از منظر ایشان تمیز خاصی بین لر و کرد نمی توانسته اند ببینند و اگر گروهی کرد در میان لرها دیده می شد می گفتند آنها هم لر هستند، مشاهده می کنید همین اشتباهات در مورد کردهای ایلام نیز صدق می کند. در بسیاری از بخش های استان لرستان مردم به زبان لکی سخن می گویند. مردم شمال و شمال غربی لرستان مانند شهر- های الشتر، نورآباد، کوهدشت، زاغه و چغلوندی به این زبان سخن می گویند. همچنین تعداد زیادی از مردم شهر خرم آباد لک هستند. علاوه بر این، گسترش گویش لکی در خارج از مرزهای استان لرستان بسیار چشمگیر است. چنانکه در مناطق وسیعی از استان کرمانشاه مانند شهرهای کرمانشاه، صحنه، کنگاور، هرسین و دهستان های عثمانوند و جلالوند در گفتگوی روزمره از این زبان استفاده می کنند. بسیاری از بخش های استان های ایلام و همدان نیز این زبان را به کار می برند.



گویش لکی با گویش گورانی و گویش کرمانشاهی و کلهری همبستگی فراوان دارد. این گویش دارای آثار مکتوب فراوانی می باشد. اخیراً کتابی تحت عنوان " گلزار ادب لرستان " که مجموعه ای از اشعار زبان لکی است به وسیله ی اسفندیار غضنفری امرایی گردآوری شده و به چاپ رسیده است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۴ : ۵۷).

ولادیمیرمینورسکی می‌گوید لک جنوبی ترین گروه از قبایل کُرد ساکن ایران است. بنا به گفته ی زین العابدین شیروانی نام لک برگرفته از واژه ی فارسی لک (صد هزار) است، زیرا تعداد خانواده‌های اولیه ی لک یکصد هزار کرد بوده است. سلسله - ی زندیه مهم ترین طایفه ای است که از میان لک ها برخاسته اند (مجله ی شقایق ۱۳۷۶: ۹۰). به نظر امان (۱۹۰۴) لکی از گونه های زبان کردی است و جزو گویش های لری محسوب نمی گردد. چریکف معتقد است که لر ها و لک ها با دو زبان کاملاً متفاوتی صحبت می کنند و گویش آنها از یکدیگر متمایز است اما در تاریخ بیشتر موارد به اشتباه کردهای زیادی را لر خوانده اند. شرفنامه ی بدلیسی (۱۳۴۳ : ۳۲۳) لک و زند را شاخه ای از قبایل کرد ایرانی ذکر کرده است.

در استان لرستان به دو زبان مجزا به هم اما مشخص یعنی لری و لکی صحبت می شود. طبق نظر گرنوت ویندفور لکی از گویش های کردی جنوبی است. این گویش اساساً در میان طایفه های سلسله (الشتر) و دلفان (نورآباد) در جلگه های الشتر و خاوه و در میان طایفه های بیرانوند در حاشیه ی بالاگریوه واقع در شرق خرم آباد در استان لرستان و در بین طایفه های پیشکوه از جمله میان طرحانی ها (کوهدشت)، جلالوندها، هلیلانی ها و نیز در بین شماری از طایفه های ساکن حد لرستان و کردستان، احمدوند و هرسین و کرمانشاه رواج دارد (اینگه دمانت مورتنسن ۱۹۹۳ : ۶۰).

سکندر امان الهی بهاروند در کتاب " قوم لر " در تقسیم بندی زبان ها و ارتباط گویش لری با آن ها، لکی را در زمره ی زبان های گروه شمال غربی قرار داده، یعنی در ارتباط با کردی، گیلکی، تالشی، سمنانی، خوانساری و بلوچی. دهخدا (۱۳۶۵: ۱۷۳) در ارتباط با مدخل "لرستان" می‌گوید که سکنه ی این نواحی لر ها و کردها هستند که از حیث قیافه به هم شبیهند ولی از حیث زبان با یکدیگر اختلاف دارند. سکنه ی واقع در شمال غربی آن یکی موسوم به " کرد لکی " و قسمت دیگر دارای زبان لری است وی می‌گوید کردها، ساکن دره ی گاماسب و دره ی سیمره می‌باشند و طوایف مهم آنها کاکاوند و کولی‌وند و در دشت خاوه حسنوند، بیرانوند و آلود و سکوند در دشت الشتر و اطراف خرم آباد در استان لرستان هستند. سکنه ی پشتکوه (ایلام) مخلوطی از طوایف لر فیلی، و کردلکی هستند که به کلی با هم مخلوط می‌باشند ولی در شمال اکثریت سکنه با کردها و در جنوب با لرهاست. طوایف مهم پیشکوه عبارتند از: ملکشاهی، یوسفوند و در دامنه ی جنوبی گراوند و در انجیرکوه کردهای دیناروند و غیاثوند. نگارنده بر این باور است، آنچه را که دهخدا کردهای لرستان، کردلکی و کرد فیلی می نامد در واقع لک هستند.

۴- فرهنگ و تمدن کهن و نوع پوشش مردمان لک

لباس و پوشش مردان و زنان لک

از ویژگی های هر قوم لباس و پوشش مردان و زنان آن است. در این میان کردهای لک نیز دارای لباس و پوشش مختص خویش و هماهنگ با سایر هم تباران کرد خود می باشند که در این مجال نمی گنجد آورده شود و چه بسا خود نیازمند مقاله ای دیگر و تخصصی باشد، لیکن فرم لباس در بین مردان و زنان کرد لک که امروزه تغییرات جزئی نموده و در مناطق شهری کمتر استفاده می گردد همان فرم لباس های نسل های پیشین است که در اوستا از آن نیز اسم برده شده است. مردمان لک بنا به سنت گذشتگان خود شال به کمر بسته، کلاه یا سر بند شال ماندی به سر گذاشته و شلوارهای بلند و گشاد (شبیه به پوششی که امروزه موسوم به شلوار کردی است) و پیراهن های بلند استفاده میکنند. زنان لک نیز از لباسهایی که معمولاً بلند و گشاد هستند چون "کرمه چین" که تن پوشی بلند و گشاد است استفاده کرده و "لچک" که دستاری بلند و زیبا است را بر سر می بندند.

پاپوش بومی و محلی لک ها معمولا "کلاش" *kelaash*، "کوش" *kewsh* یا گیوه می باشد که از نخ بافته و زیر آن هم در گذشته ها از نخ های به هم فشرده و یا چرم بوده است. امروزه بعضا از لاستیک برای قسمت زیرین کلاش استفاده می کنند(نظری، ۱۳۹۴: <http://kohdashtcity.tebyan.net>).

فرهنگ و تمدن کردهای لک زبان

کردهای لک یکی از اقوام کهن زاگرس و یکی از بازماندگان اصیل تمدن ماد است که امروز در جغرافیایی که به طور غیر رسمی لکستان خوانده می شود، حضور دارد. این قوم مانند سایر اقوام تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته و تجربه های تاریخی فراوانی را در دل خود مدفون ساخته است. سرزمینی که خواستگاه مفرغ است؛ سرزمینی که برای اولین بار حیوانات وحشی را اهلی کرد؛ سرزمینی که برای اولین بار بشر در آنجا یکجا نشینی را تجربه کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا در کرمانشاه، سرزمینی که رودهای خروشانش زمینه ساز تمدن های اولیه بشر بود. سرزمینی که گوردخمه های آرام آرام به فراموشی سپرده می شود، سرزمینی که زخم کتیبه بیستون را در دل خود دارد و سرزمینی که هنوز که هنوز است برای اهالی خود نا شناخته مانده است. علاوه بر تاریخ غنایی زبانی دیار لکستان هم به خاموشی می شود، تاریخش انگار یک فراموش خانه بزرگ است که مقرر شده از یاد برود.

غار میر ملاس

غار میر ملاس در منطقه کوهستانی هوومیان و در بسترکوه (زه روون) و در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال غربی شهر کوهدهشت استان لرستان واقع شده است. این غار به مرور زمان در هم ریخته و در حال حاضر سایبانی بیش از آن باقی مانده است، نقاشی هایی در دوطرف جنوب و شمال غار روی دیوار سایبان نقش بسته که در معرض تخریب عوامل طبیعی و انسانی قرار دارد بیشتر نقاشی ها صحنه هایی از شکارگاه یا رزمگاه را مجسم می سازند برخی نیز نقش حیواناتی هستند که نمی توان نوع آن ها را تشخیص داد. غار میر ملاس نخستین غاری است که بر روی دیوارهای آن رنگین نگارهایی به جا مانده از بیش از ۱۲ هزار سال پیش یافت شده است. (مربوط به عصر نوسنگی که البته در مورد قدمت آن هنوز تاریخ دقیق مشخص نیست ولی بی شک و تردید بیش از ۱۲ هزار سال قدمت و نشان مدنیتی پیشرفته دارد) (خرم داد، ۱۳۹۴: <http://www.ilna.ir>).

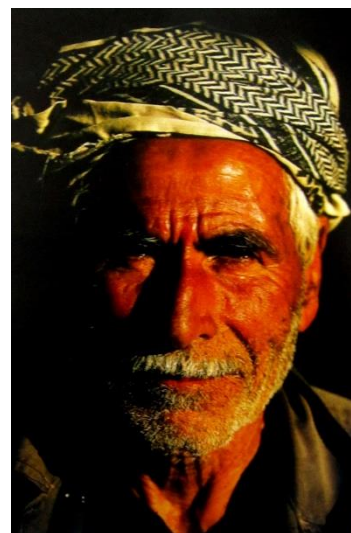
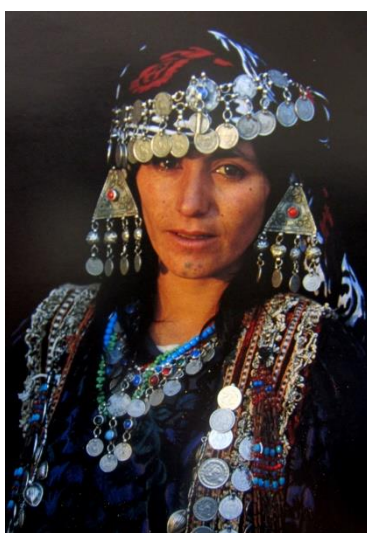
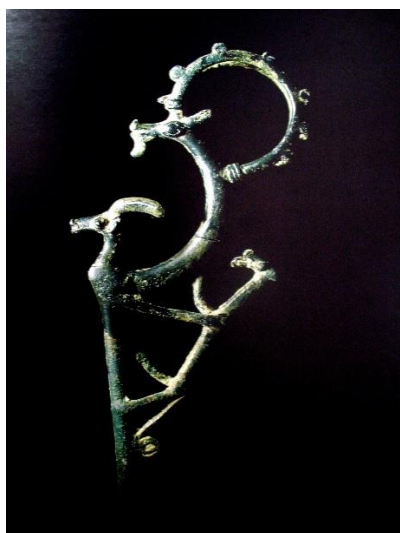
سنگ نگارهای این غار پس از غارهای "لاسکو" و "کرکس" در فرانسه سومین غاری است که نگاره های رنگین بر روی دیوارهای خود دارد نقاشی ها و نگاره هایی که بر دیوارهای جنوبی و شمالی این غار باقی مانده بیش تر صحنه هایی از رزم شکار انسان و حیوان را نشان می دهد نقوش حیوانی چون گوزن، گاو، سگ، روباه و به مخصوصا اسب و سوار در حال تیر اندازی و شکار موضوعات رزمی با رنگ های قرمز و سیاه بر دیواره این غار دیده می شود که در میان سنگ نگاره های باستانی کشور ایران بی مانند است (خرم داد، ۱۳۹۴: <http://www.ilna.ir>).

معبد سرخ دم لکی

سُرخ دُم لَکی (به زبان لکی: سوور دوم له کی) نام یک محوطه باستانی متعلق به هزاره نخست پیش از میلاد در شهرستان کوهدهشت است. این محوطه با فاصله ۶ کیلومتری از شهر کوهدهشت و در دامنه کوه چنگری قرار گرفته است. دلیل نامگذاری آن به سرخ دم، سرخ بودن خاک این محوطه است. کاوش در این محوطه از سال ۱۹۳۸ میلادی آغاز شده و از جمله آثار بدست آمده می توان به سنگ های حجاری شده با نقش شیر بالدار و درخت زندگی و وجود یک تمدن و امپراتوری مستقل به نام نال پی در این منطقه اشاره کرد. این محوطه باستانی به شماره ۳۶۳۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (1394 : <https://fa.wikipedia.org>).

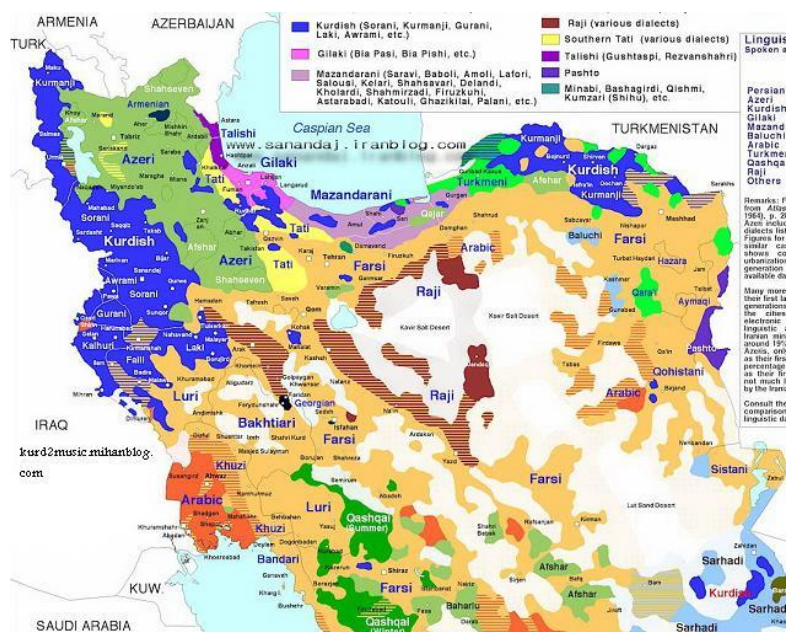


تصویر شماره (۳): سنگ‌های حجاری شده با نقش شیر بال‌دار و درخت زندگی در معبد سرخ‌دم لکی، نگهداری شده در موزه فلک‌الافلاک استان لرستان (1394 : <https://fa.wikipedia.org>).



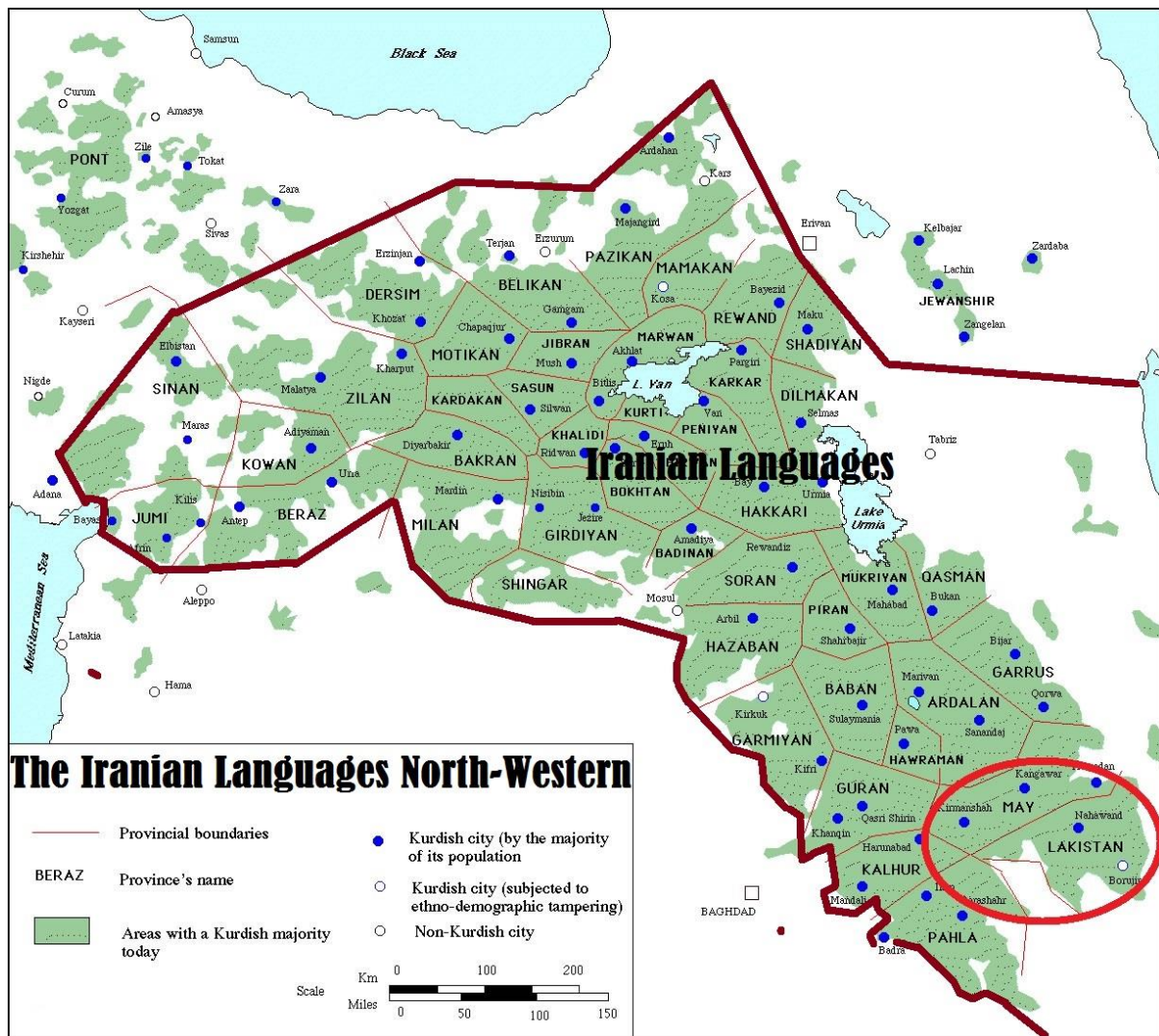
تصویر شماره (۴): فرهنگ و تمدن کهن و نوع پوشش مردمان کرد لک (1394 : <https://fa.wikipedia.org>).

۵- گستردگی جغرافیایی کردهای لک



تصویر شماره (۵): گستره جغرافیایی کردهای لک در غرب و شمال غرب ایران بر اساس نقشه مطالعاتی زبان های ایرانی دانشنامه بریتانیکا (1392 : www.sanandaj.iranblog.com).

در حال حاضر براساس نقشه مطالعاتی زبان های ایرانی دانشنامه بریتانیکا ۲۰۱۴ همانطور که در تصویر شماره (۱) مشاهده می کنید در بالای تصویر سمت راست قسمت راهنمای نقشه، مجموعه زبان های کردی را با رنگ آبی پر رنگ مشخص کرده که جایگاه کردهای لک را در وسط نقشه نمایان می کند. اما بر طبق فهرست جغرافیایی طوایف کردهای لک مندرج در کتاب بومیان دره مهرگان نوشته رستم خان رحیمی عثمانوندی تمرکز اصلی مردم لک در ایران در نواحی غرب آن در محدوده استان های لرستان، کرمانشاه و ایلام می باشد. شهرهای دلفان، سلسله و کوهدشت در لرستان، هرسین، صحنه و کنگاور در استان کرمانشاه و در استان ایلام شهرستانهای دره شهر، شهرستان شیروان چرداول در بخشهای چرداول هلیلان. مهمترین روستاهای شهرستان شیروان چرداول شامل دهستان بیجنوند (بیژنوند) وشله کش می باشد که از روستاهای معروف آن روستای زیرتنگ بیجنوند با تیره های بزرگ باباخانی واسدی وتیره کوچکی بنام دارابی می باشد و جنوب استان همدان نهانوند، ملایر. و همچنین استان لرستان، به گواه آمار موجود جمعیت کردهای لک در ایران فراتر از یک و نیم میلیون نفر است. نکته قابل توجه بیشتر بودن جمعیت لک ها در عراق نسبت به ایران است. مردم کرد لک در عراق در ناحیه مندلی و شهرهای مجاور آن زندگی می کنند. تخمین زده می شود که بیش از دو میلیون نفر لک در کردستان عراق، کرکوک و خانقین سکونت دارند. مردم لک علاوه بر عراق و منطقه لک نشین زاگرس در جاههای دیگر کشورمان نیز سکونت دارند برای نمونه روستای لکستان در آذربایجان شرقی و عده ای از ساکنان میانکاله و روستای زاغ مرز توابع بهشهر، روستای کجور، کلاردشت، تیت دره، مکارود در شمال و گروهایی نیز به استان های فارس، قزوین، شمال خراسان و ورامین در استان تهران تبعید شده اند. نام "لک" در گذشته های بسیار دور نیز دیده می شود و به دلایلی از جمله فعالیت هایشان بر ضد حکومت های گذشته، تحرکات آنها در مناطق اطراف "لکستان"، دامداری، تغییر و تحولات حکومتی در مناطق وسیعی پراکنده شده اند، همچنین به وسیله حکومت عثمانی و سلسله های حاکم بر ایران و به ویژه حکومت های صفویه و قاجاریه بسیاری از آنها آواره شده اند. از جمله گروهی که ساکن شمال ایران هستند و به "کردهای تبعیدی" معروفند و گروهی دیگر که توسط عثمانیها به اطراف آنکارا (شهر هایمانا یا هیما) کوچانده شدند به کردهای "شیخ بزینی" یا کردهای هیمنه ای معروفند که هنوز فرهنگ و هویت خود را کمابیش حفظ کرده اند.



تصویر شماره (۶): مجموعه ای از زبان های شمال غرب ایران : بیشترین تمرکز جمعیتی کردهای لک و لکستان در جنوب مجموعه فلات ایران که همه کردهای ایرانی تبار را شامل می شود (1392 : www.sanandaj.iranblog.com).

همچنین "کریم خان زند" که از کردهای لک بوده و البته بعضی ها او را لر ملایر میدانند در حالیکه به گفته جان.ر. پیری طایفه زند که قسمتی از کردهای (لک) شمال لرستان اند برای دامداری به روستاهای نزدیک پری و کومازان ملایر آمده اند و اصلیت آنها لک می باشد. در دوران حکومت کریمخان (۱۷۷۹-۱۷۴۷) بخشی از "کردهای لک" و به ویژه خانواده های سربازانش را به مناطق جنوبی ایران فرستاد. که در زمان آقا محمد خان قاجار گروه بزرگی از آنها را به اجبار به جاههای دیگر مهاجرت داده شدند.

جیمز موریتی جهانگرد انگلیسی که در سال ۱۸۱۰ میلادی از ایران دیدن کرده است، می گوید: لک در سراسر ایران پراکنده شده است و طایفه ای بزرگ است و از چند بخش تشکیل شده است. در اصل ایرانی اند و خود را "کرد" می دانند، نویسنده در ادامه می گوید لک های کرمان در سال ۱۰۵۰ قمری از بندرعباس به این منطقه آمده اند . وزیر نیز می گوید در منطقه برنجان کوهستانی، چندین نام جغرافیایی دیده می شود که دربردارنده عنوان "لک" هستند اکبر وقایع نگار می گوید: بیشتر لک های لکستان در کلیایی و کرمان و استان کردستان ساکن اند و شماری از لک ها نیز به اجبار در اصفهان سکونت داده شده اند.

طایفه جمور یا جمیر بزرگترین طایفه کوچنده این قوم است که در مناطقی بین کرمانشاه و همدان سکونت دارد. بخشی از این قوم در مهران و دهلران و خوزستان سکونت دارند و در تابستان ها نیز به سمت کوهستان های کرمانشاه و همدان کوچ می کنند. بخشی دیگر از قوم جمور در شمال خاقلین سکونت دارند، حکومت عراق نام قوم جمور را به قوم «جبور» عربی تغییر داده بود در حالی که جمور از لغت «گمو» به معنای سیار (کوچنده) گرفته شده است. به احتمالی بسیار قوی لک های ساکن در استان های کرکوک، سلیمانیه، اربیل و موصل هم از طایفه جمور باشند. طایفه جمور در کردستان شرقی از بخش های زیر تشکیل شده است: عبدلی، گومه یی، به رازی و شاهی.

ژوکوفسکی می گوید: لک یکی از اقوام «تلخ دشت» است که در سال ۱۸۸۵ به آنجا منتقل شده اند، لک ها به گویشی نزدیک به گویش "کردی هورامی" تکلم می کنند. تلخ دشت در جنوب غربی شیراز واقع شده است. د. جمشید صداقت کیش در کتاب کردان پارس و کرمان از لک های ساکن میان قشقاییان سخن به میان آورده و می گوید: امروز در طایفه کشکولی قشقایی خانواده هایی ساکن اند که به لک مشهورند و به زبان ترکی تکلم می کنند، اما می دانند که در اصل "کرد" هستند.

کردهای لک همچنین در مناطقی از کردستان ترکیه ساکن اند که عبارتند از: قاره مان، کونیا، آسکی شهر، نیغده، قیصری، مرشف جوروم، ویرشهر، جوقراودنه. لک های ترکیه به زبان ترکی تکلم می کنند. احتمال می رود که توسط دولت عثمانی به این منطقه منتقل شده باشند. کردهای لک در کردستان جنوبی هم در مناطقی از استان دیاله تا استان موصل دیده می شوند و در مناطقی از خورماتو، داقون، خانقین، کرکوک، چند روستای نزدیک به تق تق و در سراسر دشت اربیل پراکنده اند و از بستوره تا قراج چند روستای مستقل در این دشت متعلق به لک هاست که عبارتند از: جدید لک، آو دلوک، دوشیوان و حوشترالوکی قراج و چند روستای دیگر. همچنین در غرب موصل و در چند روستای شبک ساکن اند و به گویش شبکی تکلم می کنند.

کردهای لک داغستان روسیه :

یکی دیگر از سرزمین هایی که دارای جمعیت قابل توجهی از قوم لک است جمهوری خودمختار داغستان در روسیه و در ناحیه قفقاز است. مردمان قوم لک در داغستان در بخش مرکزی بخش های کوهستانی در حد فاصل نواحی لک و کولینکسی زندگی می کنند. طبق سرشماری جمعیت سال ۲۰۱۰ میلادی حدود ۱۶۱ هزار نفر کرد لک که معادل حدود ۵,۶ درصد کل جمعیت است در داغستان زندگی می کنند (رحیمی، ۱۳۷۹).

۶- بررسی غنای زبانی کردی لکی و قدمت آن و چرایی کهن بودن این زبان

زبان کردی لکی بسیار قدیمی است تعداد واژه ها در این زبان را تا سی هزار واژه رقم زده اند، در زبان لکی کنونی هنوز بسیاری از لغات، اصطلاحات و واژه های موجود در زبان اوستا به همان شکل اولیه بدون هیچ تغییری رایج و معمول می باشند. مثل آسین (آهن)، فره (زیاد)، هیا (نگاه کردن)، توریا (قهره کرده)، نامانه را (باختیم)، هردگل (قبلاً)، هور (خورشید) و ... لکی زبانی است تقریباً منظوم و مملو از اشعار، ضرب المثلهای، تمثیلهای، افسانه های (پاچا) و بسیاری از کلمات و جملات آن دارای اوزان عروضی است. با این تفاوت که شعر لکی همه جا ۱۰ هجایی است، اما گاهی ۸ و ۱۲ هجایی نیز دارد.

رستم رحیمی می نویسد: «وجود افسانه های فراوان، چستانها، ضرب المثلهای و ... در زبان لکی نشانه غنی بودن، دیرینگی، گستردگی و سالم ماندن این زبان می باشد و گویای آن است که زبان کردی لکی نقش و اهمیت فراوانی در تاریخ این مرز و بوم داشته است. زبان لکی از لحاظ کثرت لغات ویرایشی، واژه های غنی و بکر، قابل توجه می باشد، لکی خود شاخه ای وسیع، گسترده و شیرین از زمان حضور زرتشتیان و ساسانیان در ایران می باشد» (رحیمی، ۱۳۷۹).

کردی لکی زبانی کهن و ایرانی است و از حیث کثرت واژه ها و اصطلاحات بسیار حائز اهمیت می باشد، از دیگر ویژگی های این زبان آن است که چون در گستره طبیعت به وجود آمده، رشد و تداوم یافته و طی قرون متمادی هویت و اصالت خود را حفظ کرده و از لحاظ گستردگی، فراگیری، قدمت و دیرینگی هویت و معنای کلیه اشیاء، موجودات، مسائل مادی، موضوعات معنوی، طبیعت و انسان را طی هزاران سال ظهور و سقوط تمدن ها را در بر می گیرد و هیچ کمبودی را برای گفتار و بیان خواسته ها، عواطف انسانی و ارتباط با محیط پیرامون خود ندارد، به گونه ای که تعداد بسیار زیادی از واژگان و لغات موجود در آن از لحاظ شیوایی و ذات معنایی قابل توجه بوده و برخی کلمات و واژه های آن همانند (وره نسک، نَگیره، هَنک، تَمَرَز و ... در فارسی وجود ندارد ولی معادل فارسی دارند و منحصر به این زبان می باشد، اما شایان ذکر است که زبان لکی شباهت خاص و ویژه ای از جهت واژگان و قواعدی دستوری به کردی کرمانجی در ترکیه دارد که با توجه به فاصله چند هزار کیلومتری این دو زبان کردی از هم بسیار عجیب است حال آنکه این شباهت در گوران بین لکی و هورامی که نمایان است با توجه به نزدیکی اقلیمی این دو تعجب برانگیز نیست.

در زبان لکی حروفی چون پ، ژ، گ، چ، زیاد مورد استفاده قرار میگیرد که این خود نشان دهنده آن است که این زبان برخلاف زبان عربی که فاقد این حروف می باشد، تأثیر نپذیرفته و یا به گفته دیگر زبان لکی نسبت به سایر زبانهای رایج در کشورمان ایران از تأثیر پذیری کمتری از زبانهای بیگانه خصوصاً عربی بر خوردار می باشد. حمید ایزدپناه در خصوص فراوانی واژه های لکی می نویسد: «زبان لکی از لحاظ کثرت و فراوانی واژه ها و پیرایش لغات غنی و قابل توجه می باشد و خود شاخه ای وسیع و گسترده از زبان عصر ساسانیان است این زبان ۲۵ تا ۳۰ هزار واژه و لغت دارد که اغلب کلمات، لغات و واژه های موجود در آن به همان شکل اولیه دست نخورده باقی مانده است» (ایزدپناه، ۱۳۸۲)

در کتاب کوچ نشینان لرستان در خصوص زبان کردی لکی چنین آمده است: «زبان کردی لکی یکی از گویشهای مهم در زاگرس است، این زبان اساساً در بین طایفه های سلسله، دلفان، در جلگه های الشتر و خاوه در میان طایفه بیرانوند در مشرق خرم آباد و در بین طایفه های پشتکوه (ایلام) از جمله طرهانیها، جلالوندیها، هلیلانیها و نیز در بین شماری از طایفه های ساکن در لرستان، کرمانشاه و کردستان رواج دارد» (اینکه دمانت، ۱۳۷۵).

دکتر سکندر امان الهی بهاروند می نویسد: «زبان کردی لکی در بین طوایف استان لرستان چون دلفان، سلسله و برخی از طوایف طرهان (شهرستان کوهدشت) رایج است، فزون بر این گسترش این زبان در خارج از مرزهای استان لرستان بسیار چشم گیر است، چنانچه در مناطق وسیعی از استان کرمانشاه چون هرسین، صحنه، کنگاور، دینور، عثمانوند، جلالوند کرمانشاه و برخی از دیگر طوایف که هم اکنون محدوده آنها در بخش مرکزی این استان واقع شده است». در کتاب مجمل التواریخ از آنها که به این زبان یعنی لکی گفتگو می کنند، به نام (وند) یاد شده است. به طور کلی محدوده زبان لکی از تلمبه خانه شرکت نفت رازن واقع در شمال شرقی خرم آباد شروع و از آنجا به صورت نیم دایره ای به جانب غرب ادامه یافته و منطقه هرو الشتر، خاوه دلفان را در بر گرفته و سپس مناطقی از استان کرمانشاه را در بر می گیرد» (بهاروند، ۱۳۷۱). این زبان در مناطقی از استان ایلام نیز رایج است چنانچه محدوده آن از دهستان زردلان شروع و سراسر بخش هلیلان را در بر می گیرد، دامنه زبان لکی در استان ایلام از هلیلان به طرف مناطق جنوبی رودخانه سیمره کشانده می شود و تا شهر تاریخی ماداکتو (دره شهر) و حتی مناطق جنوبی آن یعنی شمال خوزستان تا شوش ادامه می یابد.

۷- بررسی و مقایسه برخی ویژگی‌ها و قواعد زبانی کردی و سایر گویش‌های مجموعه زبان‌های کردی و زبان‌های دیگر ایران

الف-۱: برخی ویژگی‌های دستوری

- در گویش لکی مانند سورانی و کورمانجی ویژگی ارگاتیو مشاهده می‌شود:

<u>سورانی</u>	<u>لکی</u>	<u>کرمانشاهی</u>	<u>خرم‌آبادی</u>	<u>ملایری</u>	<u>فارسی</u>
ناوم خوارد	ناوم هوارد	ناو خواردم	او هردم	او خوردم	آب خوردم
جیت گوت؟	جنت وت؟	چه وتی؟	چی گوتی؟	شی گفتی؟	چی گفتی؟

- اضافه کردن فتحه، "ه"، قبل از فعل در زمان‌های استمراری:

<u>سورانی</u>	<u>لکی</u>	<u>کلهری</u>	<u>خرم‌آبادی</u>	<u>بروجردی</u>	<u>فارسی</u>
ناو دمخۆم	ناوه مەرم	ناو خومم	او مۆهۆرم	او مۇخۆرم	آب می‌خورم
کتاوم دمخۆیند	کتاومه مه‌خومن	کتاو خومنیام	کتاو مێهەنم	کتاو مۇنم	کتاب می‌خواندم

جدول شماره (۱): مقایسه برخی قواعد دستوری گویش‌های کردی با زبان فارسی و لری (<https://fa.wikipedia.org> 1393):

الف-۲: واژگان

ساختار و واژگان در تقسیم‌بندی زبان‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. در زیر تعدادی از واژگان فارسی رایج به همراه معادل‌های آنها در برخی گویش‌های کردی و زبانهای رایج در غرب کشور آورده شده‌است.

<u>هورامی کورمانجی</u>	<u>سورانی</u>	<u>لکی</u>	<u>کلهری</u>	<u>خرم‌آبادی</u>	<u>بروجردی</u>	<u>فارسی</u>
- av	ناو	ناو	ناو	آو، اُو	او	آب
واران baran	باران، وه رشت	واران، وه شت	واران	بارو، رفت، شوف بارو	باران	باران
چەم chav	چاو	چەم	چاو	چَش، تیئه	چَش	چشم
- li vê derê	نێره	نێره	نێره	ایچه	اینجه، اینج	اینجا
فره zor,pir,gelek,zaf زۆر	فره	فره	فره	زیاد	زیاد	زیاد
- zava, zaba	زاوا	زوما	زاوا	دوما	داماد	داماد
- rêwî	زیووار	زیووار	زیووار	رهگۆدر	رهگۆدر	رهگذر
- jûr, oda, olî	دئ، ژوور	دئ	دئ	اتاق	اتاق	اتاق

mal, xanî	-	مال، خانوو	مال	مال	هونه	خونه	خانه
gel	-	گه ن	گه رد	گه رد	وا	وا، وارد	با
zarok	-	مندال	نایل	منال	بچه	بچه	بچه
gurchik	-	گوردانه	گوردانه	گوردانه	گوردانه	گوردانه	کلیه، گردانه کلیه
besb	-	به ش	به ش	به ش	بر	سهم	سهم، بخش
xo	-	خووا	خووا	خووا	نمه ک	نمک	نمک
tisht	-	شتی	چی	چیش	چی	شی، چی	چیز
roj	زوژ	زوژ	زوژ	زوژ	رو	روز، رو	روز
shev	-	شو	شو	شو	شو، شوگار	شو	شب
xwosh	وه ش	خوش	خوش	خوش	خوش	خوش	خوش
hûn	شمه	نیوه	هومه	نیوه	شوما	شما	شما
jin	-	ژن	ژن	ژن	ژن، زینه	زن	زن
mêr	-	پیا، میرد	پیا	پیا	پیا	مرد	مرد
bav	-	باب	باوه	باوگ	بووه	بابا، بوئه	بابا
dayik	-	دایک، دایه	دا	دایک	دا، دایه	دایه، مامان	مادر
kur	-	کُر	کور	کُر	کُر	پسر	پسر
kech, dot	-	کچ، کنیشک	دت، نافره ت	دوت	دوت	دوت	دختر
bêhn, henase	-	هناسی	هناسی	هناسی	هناسیگ نفس، هناسه	نفس	نفس
êvar	-	ئیوواره	ئیوواره	ئیوواره	ئیوواره	ایواره	غروب

جدول شماره (۲): مقایسه واژگان گویش های کردی با زبان فارسی و لری (1393: <https://fa.wikipedia.org>):

ب: مقایسه افعال و مصدرها

هورامی	کورمانجی	سورانی	لکی	کلهری	لری فیلی	بروجردی فارسی
-	min	ناوم خووارد	ناوم هووارد	ناو خوواردم	او هه ردح	او خوردیم آب خوردیم
ez bi xwe	ویم	خۆم	وژم	خوه م	خوم	خویم خودم

ez chûm	<u>چه م</u>	چووم، زویشتم	<u>چه م</u>	چی م	ره تم	رفتَم	رفتَم
ez hatim	-	<u>هاتم</u>	<u>هاتم، هه تم</u>	هاتم	اوام	آمِیم	آمدَم
bichû?	-	<u>بجو/ بروو</u>	<u>بجو</u>	بجو	رو	برو	برو
xwestin	-	<u>ویستن</u>	<u>گستن</u>	خوازین	هاستن	خواسن	خواستن
ez dikirim	<u>مه که رو</u>	<u>ده که م</u>	<u>مه که م</u>	که م	می کم	مُکِم	می کَم
avêtin	-	<u>هاویشتن</u>	<u>ناشتن، ناویتن</u>	خستن	ونن	یناختن	انداختن
Lelazmatî (îhtiyac)	-	<u>له گره ک بوون</u>	<u>نه گره ک بین</u>	لازم بین	لازم بین	لازم بین	لازم بودن
bûn	-						
ez hatibûm	-	ها ته بووم	هاتویم، هه تویم	هاتویم	اوامیه بیم	آمیه بیم	بی آمده بودم
ez hatim	-	ها توومه	هاتم، هه تمه	هاتومه	اوامه	آمی یم	آمده ام
ketin	-	<u>که وتن</u>	<u>که تن</u>	ک فتن	اوفتانین، گلیسِ اِفتی نین		افتادن

جدول شماره (۳): مقایسه افعال و مصدرها در گویش های کردی با زبان فارسی و لری (https://fa.wikipedia.org: 1393):

پ: رنگ ها در لکی

<u>الفبای لاتین</u>	<u>لکی</u>	<u>فارسی</u>
espy, charmê	اسپی، چه رمی سفید	
resh, sê	رِه ش، سی	سیاه
kaû	کاو	آبی
sor	سور	قرمز، سرخ
siwz	سه وز	سبز
bûr, hoîl	بوور، هویل	قهوای
xakî	خاکی	خاکستری
zerd	زه رد	زرد

جدول شماره (۴): نام رنگ های اصلی در کردی لکی (https://fa.wikipedia.org: 1393):

ت: گاهشماری به لکی

<u>الفبای لاتین</u>	<u>مانگ له کی (ماه لکی)</u>	<u>ماه ایرانی</u>
pence	په نجه	فروردینگان
mêrêan	مێریان	اردوبهشت
Gakûr, Mengakur	گاکوور، منگاکوور	خرداد
agranî	ئاگرانی	تیر
mirdar	مردار	مرداد
male jêr	ماله ژیر	شهریور
male jêr domaêne	ماله ژیر دوماینه	مهر
toîl tekin	تویل ته کن	آبان
mange sêe	مانگه سیه (ره ش)	آذر
niwrûj	نورووژ	دی
xake lêe	خاکه لیه	بهمن
mang êd	مانگ ئێد	اسفندگان

جدول شماره (۵): نام ماه های سال در گاهشماری کردی لکی (<https://fa.wikipedia.org> 1393):.

ت: مقایسه گویش لکی با برخی گویش های کردی

English	Zazakî	Hewramî	Kurmancî	Soranî	Kelhurî	Feylî	Lekî
spring	wesar, wisar	wehar	bihar, behar	behar, wehar	wehar	wehar	wehar, vihar
summer	hamnan	hamna, hamîn	havîn	hawîn, hamîn, tawsan	tawsan	tawsan	tawsan
fall	payîz	payîz	pehîz, payîz	payîz	payîz	payîz	payîz-malêžir

varan, waran, vešt	waran	waran	baran, waran, verišt	baran	-	varan	rain
çem	çaw	çaw	çaw	çav	çem	çim	eye
dit, afiret	dut	dut	kiç	keç, dot	-	kêna	girl
kur	kur	kur	kur	kur, law	-	laj	boy
gurdale	gurdale	gurdale	gurdale	gurçik	-	velke, gurçike	kidney
rêvêar	rêwêar	rêwêar	rêbwar	rêwî	-	raywan	stranger
ayîl	minal	minal	mindal	zarok	-	eyel	child
wijim	xwem	xwem	xom	ez bi xwe	wêm	ez bi xo	myself
ketin	keftin	keftin	kewtin	ketin	-	kewten	to fall
aîtin, aîştin	xistin	xistin	hawêştin	avêtin	-	eştin	to throw
mi hetim	mi hatim	mi hatim	min hatim	ez hatim	-	ez ameyā	I came
mi merim/mexwim	mi xwem/x werim	mi xwem/dix wem	min exwem/dexo m	ez dixwim	<u>min</u> meweru	ez wenā	I eat
mi nanim hward	mi nan xwardim	mi nan xwardim	min nanim xward	<u>min</u> nan xward	-	<u>mi</u> nan werd	I ate the meal
Mi nane merim/mexwim	mi nan xwem	mi nan xwem	min nan dexwim	ez nanê dixwim	-	ez nan wenā	I am eating the meal
mi nanme mehward	mi nan xwardisi m	mi na xwardêa m	min nanim dexward	<u>min</u> nan dixward	-	<u>mi</u> nan werdêne	I was eating the meal
mi hetime	mi hatime	mi hatime	min hatûme	ez hatime	-	ez ameyā	I have come
mi hetûm	mi hatûm	mi hatûm	min hatibûm	ez hatibûm	-	ez ameybîyā	I had come

ج: مقایسه واژگان زبان کردی با دیگر زبان‌های هندواروپایی

کردی						آلمان	ایتالیایی	انگلیسی	پرتغالی	اسپانیایی	سوئدی	فارسی	فرانسوی	هلندی
کرمانجی	سورانی	کلهری	لکی	گورانی	زازاکی									
évar	éware	éware	íwara	wérega	-	abe nd	-	evenin g	-	-	afton	ivār	-	evond
bra	bra	bra	bra	bra	bra	bru der	fratell o	brothe r	irmão	herma no	bror, brode r	barād ar	frère	broer, broeder
te, tu	to, tu	ti	tu	to	ti, to	du	voi	you	tu	te, tú	du	to	te, tu	-
hesin	asin	asin	asin	asin	asin	eise n	ferro	iron	ferro	hierro	järn	āhan	fer	ijzeren
erd	herd	zoiw	?	herd	erd	erd e	terra	earth	terra	tierra	jorde n	Zamin	terre	aanaard en
ére	ére	ére	ére	íge	-	hier	-	here	-	-	här	-	-	-
hingiv	hengw ín	-	angw in	?	hinge mín	hon ig	-	honey	-	honun g	angab in	angab in	honing	
kurt	kurt	kull	kuell	kol	kilm	kur z	corto	short	curto	corto	kort	kutāh	court	kort
lév	léw	léw	lic,le w	lic	lew	lipp e	labbro	lip	lábio	labio	läpp	lab	lèvre	lip
meh	mang	?	mang	mange	meng e	mo nd	mese	moon	-	-	mane	māh	-	maan
nav	naw	naw	nam	nam	name	na me	nome	name	nome	nombr e	nāmn a	nām	nom	naam
na	na	ne	na	?	né	nei n	non	no	não	no	nej	na	non	neen
nú, nuh	nwé	nú	nuh	newe	newe	neu	nuovo	new	novo	nuevo	ny	now	nouve au	nieuw
neh	no	nú	nu	no	new	neu n	nove	nine	nove	nueve	nio	noh	neuf	negen
pardéz	perdéz	?	?	?	?	par adi es	paradi se	paradis e	paraíso	paraíso	paradi s	pardis	paradi s	paradijs

spenax	espena _x	?	?	?	?	spi	spinaci	spinac	espinaf	espina	spena	esfan	épinar	spinazie
						nat	o	h	re	ca	t	āj	d	
stér	estére	esare	asara	hesare	estar	ster	stella	star	estrela	estrell	stjärn	setāre	astre	ster
					e	n			a	a				
dot	-	dot	det-	afera	-	-	toch	daught	-	-	dotter	doxta	-	dochter
			t	-			r	er			r			
dlop	dlop	dlop	teka	dlop	dilap	tro	pfe	drop	-	-	dropp	-	-	druppel
					a	n					a			

جدول شماره (۷): مقایسه واژگان زبان کردی با دیگر زبان‌های هندواروپایی (<https://fa.wikipedia.org>: 1393).

نتیجه گیری

به هر روی کرد‌های لک زبان یکی از ژرف‌ترین و کهن‌ترین تمدن‌های بشری را در هزاره‌های پیشین رقم داده‌اند و هم‌اکنون بی‌شک یکی از اصیل‌ترین و غنی‌ترین گویش‌های کردی به شمار می‌آید. زبان کردی لکی به طور مرموز و کشف نشده‌ای تمامی خلاءهای مجموعه زبان‌های کردی را می‌پوشاند که گویی مادر کهنسال و ریشه تمامی گویش‌های کردی است و به شکل شگفت‌انگیزی از تمامی مجموعه زبان‌های کردی عناصر کلیدی را داراست، چنان‌می‌نمایند که انگار همه گویش‌های کردی را یکجا در خود جای داده و یا یک زبان ویژه و کهنسال کردی است که در حال انقراض و استحاله واژگان اصیل خویش در اثر بی‌مهری و کم‌توجهی مسئولان عرصه فرهنگ و ادب، بخصوص سایر گویشوران کرد که متأسفانه هیچ اطلاعاتی از این زبان کهن و غنی کردی ندارند که اگر ما زبان کردی لکی را حفظ کنیم گزاف نیست اگر بگوییم کل مجموعه زبان‌های کردی را نجات داده‌ایم.

کردان لک از اقوام کهن زاگرس و یکی از بازماندگان اصیل تمدن ماد است که امروز در جغرافیایی که به‌طور غیر رسمی لکستان خوانده می‌شود، حضور دارد. این گروه اصیل از کردها مانند سایر اقوام تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و تجربه‌های تاریخی فراوانی را در دل خود مدفون ساخته است. سرزمینی که خواستگاه مفرغ است؛ سرزمینی که برای اولین بار حیوانات وحشی را اهلی کرد؛ سرزمینی که برای اولین بار بشر در آنجا یکجا نشینی را تجربه کرد، اقلیم لکستان قلب تپنده و کهن و ریشه کردستان است.

✓ و در پایان از خوانندگان این نوشتار دعوت می شود اشعار زیبای کردی لکی را از دیده بگذرانند.

رۆلەم کول ئیران پەژارە ی ئە یام	خودا مەزانی حەیران و ناکام
پەیمانم بەسیا وە خۆین و خاکت	پەیمان ی وە گرد تو پی دەورانت
نامت زە لە ئە ژ دۆشمەنە یل مەیری	رەقیب بزانی شوە کی مە مری
وە سەر دوزە یلت هەر هاوار مە کەم	خۆینم ئە گرد ئە خاکە ت ئکل مە کەم
ئیمروژ هە لێچە سوویژ کوبانی	ئاوڕ ئە ژ جیان یە ک یە ک شارانی
هەر جای کورد بوو وە ئیران بوو	بژی ئیرانم کە ژیان کوردان بوو

پیام کریمی کرماشانی (۱۳۹۳)

✓ این شعر زیبای کردی لکی نیز حسن ختامیست از کرم دوستی شاعر لکستان (۱۳۹۲):

<u>گیژ و شیت و پە ل، ژان ژوو داری کم</u>	<u>سخون دە ژ ی دار، بی ئازاری کم</u>
ترجمه به فارسی: گیج و حیران و دردمندم	استخوان درد دارم، بی آزار هستم
<u>گیانە لی ک، شە کە ت، حال خراوی کم</u>	<u>پووس وابدی توین ئاوابی کم</u>
نیمه جان شده، خسته، حالم خراب است	مانند پوست خشکیده ی باد برده در مسیر رودخانه ام
<u>نیمه گیان، کپیا، دە ر وە دە ری کم</u>	<u>ژئ ر و شە ل و پە ل، ئاخر شە ری کم</u>
نیمه جان، درمانده، در به در (آواره ای) هستم	فرومایه (پایین مقام) و پر پر شده، عاقبت به شری هستم
<u>ئە ژ رونە ق کە تی، چە ک و چولی کم</u>	<u>لوی لیا، کم هاواس، دل و هوولی کم</u>
از رونق افتاده، شکسته شده ام	آشفته خاطر، کم حواس، دلواپس هستم
<u>وە چرچم لە رزم، وە سراسیمە</u>	<u>ئاسوو ئە ر ئاسوو، لیژ ئی را بیمە</u>
با ترس و لرز و سراسیمگی	تپه به تپه، به پایین آمده و طی کرده ام

چوب های خشکیده تمام شکم را پاره کرده شکم گرسنه توان را از استخوانم گرفته

وژته مزانی سایه م سننگینه داوئ لم فره به رز و ره ننگینه

خودت میدانی سایه ام سنگین است قد و هیکلم زیاد بلند و زیبا است

منابع

- ۱- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا (۱۳۶۵). انتشارات دانشگاه تهران .
- ۲- مینورسکی ، ولادیمیر؛ گُردها نوادگان مادها، ترجمه؛ دکتر کمال مظهر احمد ،مجله‌ی انجمن دانش پژوهی گُرد، جلد یکم، سال -۱۹۷۳- بغداد، صفحه‌ی ۵۶۳ .
- ۳- یاسمی ، رشید ، گُرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او. ص ۱۷۲-۱۸۱ .
- ۴- ناتل خانلری ، پرویز، زبانها و گویش های ایران. کتاب تاریخ زبان فارسی نویسنده: پرویز ناتل خانلری .
- ۵- درویشیان ، علی اشرف ، فرهنگ کردی کرمانشاهی، (کردی به فارسی)، نشر سه‌پند، تهران، ۱۳۷۵ .
- ۶- آکوپف، گ. ب. ، حصارف، م. ا. ؛ ترجمه سیروس ایزدی، کردان گوران، مسئله کرد در ترکیه: از آغاز جنبش کمالیان تا کنفرانس لوزان، تهران: انتشارات زوار، ۲۰۰۷/۱۳۸۶، صص ۸۸-۹۱.
- ۷- رحیمی ، رستم، بومیان دره مهرگان ، انتشارات ماهیدشت کرمانشاه ، چاپ اول ۱۳۷۹.
- ۸- ایزد پناه، حمید ، فرهنگ لکی ، ج اول ۱۳۸۲ .
- ۹- اینگه دمانت ، مورتسنس ، کوچ نشینان لرستان، ترجمه محمد حسین آریا ، انتشارات پژوهنده، ۱۳۷۵.
- ۱۰- امان الهی بهاروند ، سکندر، پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی قوم لر ، انتشارات آگاه ، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۱- محمدی ، آیت. سیری در تاریخ سیاسی کرد (۱۳۸۲). انتشارات پرسمان. ص ۶۸-۱۱۹.
- ۱۲- سایت تاریخی سرخ دم لکی، نمادی از تاریخ چندین هزارساله لرستان « ایرنا .بازبینی شده در ۱ اکتبر ۲۰۱۴.
- ۱۳- دوستی، کرم ، مجموعه شعر لکی په ژاره. انتشارات سیفا ، چاپ دوم ۱۳۹۲ ، ص ۱۶۴ .
- ۱۴- کرمی، محمد ، زبان لکی یا همان زبان کردی مادر، روزنامه امرداد. ۱۳۹۴
- 15- Lakī and Kurdish Author: Shahsavari, Faramarz Source: Iran and the Caucasus, Volume 14, Number 1, 2010 , pp. 79-82(4) .
- 16- Windfuhr, Gernot. "Isoglosses: A Sketch on Persians and Parthians, Kurds and Medes" in Hommages et Opera Minora, Monumentum H. S. Nyberg, Vol. 2. , Acta Iranica 5. Tehran-Liège: Bibliothèque Pahlavi, 457-472. pg 468.
- 17- Rüdiger Schmitt: Die iranischen Sprachen in Gegenwart und Geschichte. Wiesbaden (Reichert) ۲۰۰۰.
- 18- Rüdiger Schmitt (Hg.): Compendium Linguarum Iranicarum. Wiesbaden (Reichert) ۱۹۸۹.
- 19- <https://fa.wikipedia.org>: 1393
- 20- Khaledy , Mohammad , www.sanandaj.iranblog.com : 1392
- 21- Roshani , Deilan , www.kurdishacademy.org : 1394
- 22- Karimy , Payam , <http://www.adabi19.ir> : 1394
- 23- Nazary , Hamid , <http://kohdashtcity.tebyan.net> : 1394
- 24- Khoramdad , Najaf , <http://www.ilna.ir> : 1394